

چارچوب و اصول اساسی حاکمیت شرکتی در بانکداری اسلامی

alimahdaviparsa@gmail.com

علی مهدوی پارسا / دکتری مدیریت مالی دانشگاه امام صادق (ع)
دریافت: ۱۳۹۷/۰۲/۰۱ - پذیرش: ۱۳۹۷/۰۶/۱۸

چکیده:

با گسترش ادبیات حاکمیت شرکتی در سطح جهان، بانکها و نظام‌های بانکی اقدام به تدوین چارچوب‌های حاکمیت شرکتی جهت اداره و مدیریت و کنترل ریسک‌های خود کرده‌اند. مدیریت و اداره بانک‌های اسلامی نیز با عنایت به تفاوت‌های ماهوی خود نیازمند اصول، ابزارها و لوازم متفاوتی می‌باشد. از این رو بایستی چارچوب نوین و مجزایی برای حاکمیت شرکتی در نظام بانکداری اسلامی صورت پذیرد. در این مقاله با استفاده از روش تحلیلی چارچوب‌های ارائه شده برای حاکمیت شرکتی در نظام بانکی متعارف و اسلامی مورد تحلیل قرار گرفته و چارچوبی جدید برای حاکمیت شرکتی در نظام بانکداری اسلامی ایران ارائه می‌شود. چارچوب پیشنهادی مبتنی بر چهار اصل بنیادی عدالت، امانت، صداقت و رعایت (تطابق با اصول و مقررات شرع) می‌باشد. عمل به اصول چهارگانه مزبور در بانک‌ها باعث بهبود عملکرد آن‌ها و نزدیک‌تر شدن نظام بانکی به نظام بانکداری اسلامی به مفهوم واقعی آن می‌شود. از این رو، چارچوب پیشنهادی را می‌توان چارچوب حاکمیت شریعت در بانکداری اسلامی نامید.

کلیدواژه‌ها: چارچوب حاکمیت شرکتی، نظام بانکداری اسلامی، بانکداری بدون ربای ایران.
طبقه‌بندی JEL: O16، P4، G34.

در سال‌های اخیر، حاکمیت شرکتی به یکی از جنبه‌های اصلی و پویای دنیای تجارت تبدیل شده و توجه به آن به طور چشمگیری رو به افزایش است. اینک توجه و پیشرفت در اعمال حاکمیت شرکتی در سطح جهانی صورت می‌گیرد. سازمان‌های بین‌المللی مانند سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (OECD)، استانداردهای بین‌المللی را در این زمینه ارائه می‌کنند. آمریکا، بریتانیا و دیگر کشورها، همچنان به تقویت سیستم‌های حاکمیت شرکتی خود ادامه می‌دهند و به سهامداران، روابط آنها، پاسخگویی، بهبود عملکرد هیأت مدیره، حساب‌رسان و سیستم‌های حسابداری و کنترل داخلی، توجه می‌کنند. این سیستم‌ها عمدتاً به روش‌هایی توجه دارند که شرکت‌ها با آنها اداره و کنترل می‌شوند. افزون بر این، سرمایه‌گذاران جزء، سرمایه‌گذاران نهادی، حسابداران و حساب‌رسان و سایر بازیگران صحنه بازار پول و سرمایه از فلسفه وجودی و ضرورت اصلاح و بهبود دائمی حاکمیت شرکتی آگاه شده‌اند.

با گسترش ادبیات حاکمیت شرکتی در سطح جهان، بانک‌ها و نظام‌های بانکی که از پیچیده‌ترین بنگاه‌های اقتصادی می‌باشند نیز اقدام به تدوین چارچوب‌های حاکمیت شرکتی جهت اداره و مدیریت و کنترل ریسک‌های خود نموده‌اند. اجرای حاکمیت شرکتی مطلوب در شبکه بانکی می‌تواند مسیر اجرای حاکمیت شرکتی را در سایر بخش‌های اقتصاد هموار سازد. اجرای حاکمیت شرکتی در بانک‌ها تأثیر قابل ملاحظه‌ای در توسعه اقتصادی کشور دارد و حتی اجرای آن در سیستم بانکی بسیار حیاتی‌تر از سایر سازمان‌ها است.

مدیریت و اداره بانک‌های اسلامی با عنایت به تفاوت‌های ماهوی خود نیازمند اصول، ابزارها و لوازم متفاوتی می‌باشد از این رو بایستی چارچوب نوین و مجزایی برای حاکمیت شرکتی در نظام بانکداری اسلامی صورت پذیرد. در این مقاله پس از بررسی چارچوب‌های ارائه شده برای حاکمیت شرکتی در نظام بانکی به بررسی اهمیت تدوین این چارچوب برای نظام بانکداری بدون ربای ایران پرداخته و سپس اصول اساسی این چارچوب مبتنی بر ادبیات و معارف اسلامی را استخراج می‌کنیم.

بیان مسئله و روش تحقیق

نحوه مدیریت و اداره بانک‌ها دارای ادبیات غنی و گسترده‌ای در سطح جهان می‌باشد و مدیریت و اداره بانک‌های اسلامی نیز با عنایت به تفاوت‌های ماهوی خود نیازمند اصول، ابزارها و لوازم متفاوتی می‌باشد. نظام حاکمیت شرکتی یکی از نظام‌های لازم جهت اداره صحیح بانک‌های متعارف و اسلامی است.

مسئله اصلی در این تحقیق این است که اصول اساسی حاکمیت شرکتی در بانکداری اسلامی در ایران (نظام بانکداری بدون ربای ایران و فقه امامیه) چیستند.

رویکرد این مقاله اکتشافی است و روش تحقیق در این مقاله کتابخانه‌ای و مراجعه به متون و ادبیات موضوع حاکمیت شرکتی جهت شناخت اصول متعارف موضوع و سپس مراجعه به ادبیات و متون اسلامی جهت استخراج چارچوب مفهومی و اصول اساسی اسلامی حاکمیت شرکتی در بانکداری اسلامی می‌باشد.

تعریف حاکمیت شرکتی

فدراسیون بین المللی حسابداران (IFAC) در سال ۲۰۰۴، حاکمیت شرکتی را چنین تعریف کرده است: حاکمیت شرکتی عبارت است: از تعدادی مسئولیت‌ها و شیوه‌های به کار برده شده توسط هیئت مدیره و مدیران موظف با هدف مشخص کردن مسیر راهبردی که تضمین کننده دستیابی به هدف‌ها، کنترل ریسک‌ها و مصرف مسئولانه منابع است.

صندوق بین المللی پول (IMF) و سازمان توسعه و همکاری اقتصادی (OECD) در سال ۲۰۰۱ حاکمیت شرکتی را چنین بیان کرده اند: ساختار روابط و مسئولیت‌ها در میان یک گروه اصلی شامل سهامداران، اعضای هیئت مدیره و مدیر عامل برای ترویج بهتر عملکرد در رقابتی لازم جهت دستیابی به هدف‌های اولیه مشارکت. بررسی تعریف‌ها و مفاهیم حاکمیت شرکتی و مرور دیدگاه‌های صاحب‌نظران، حکایت از آن دارد که حاکمیت شرکتی، مفهومی چند رشته‌ای (حوزه‌ای) است، و هدف نهایی آن، دستیابی به چهار مورد زیر در شرکت‌هاست:

پاسخگویی

شفافیت

عدالت (انصاف)

رعایت حقوق ذینفعان

با مرور تعریف‌های یاد شده و تحلیل آنها می‌توان تعریف زیر را ارائه کرد:

حاکمیت شرکتی، قوانین، مقررات، ساختارها، فرایندها، فرهنگ‌ها و سیستم‌هایی است که موجب دستیابی به هدف‌های پاسخگویی، شفافیت، عدالت و رعایت حقوق ذینفعان می‌شود.

همچنین حاکمیت یا راهبری شرکتی (یا راهبری بنگاه حاکمیت بنگاه)، طبق تعریف ارائه شده از سوی سازمان همکاری و توسعه اقتصادی، عبارت است از رویه‌ها و فرایندهایی که طبق آن‌ها سازمان هدایت و کنترل می‌شود. ساختار راهبری شرکتی توزیع حقوق و مسئولیت‌ها بین فعالان مختلف سازمان - مثل هیئت مدیره، مدیران، سهامداران، و دیگر ذی‌نفعان - را مشخص می‌کند؛ و قواعد و رویه‌هایی را برای تصمیم‌سازی معین می‌کند.

طبق نشریه اصول حاکمیت شرکتی سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (OECD) شش اصل بنیادی راهبری شرکتی عبارتند از:

اطمینان از مبانی یک چارچوب حاکمیت شرکتی اثربخش؛

حقوق و رفتار عادلانه سهامداران و وظایف کلیدی مالکیت؛

سرمایه گذاران نهادی، بازارهای سهام و دیگر واسطه‌ها؛

نقش ذینفعان در حاکمیت شرکتی؛

افشا و شفافیت؛

مسئولیت‌های هیئت مدیره (OECD, ۲۰۱۵).

حاکمیت شرکتی از منظر اسلامی

تاکنون مطالعات بسیاری در زمینه بررسی اصول حاکمیت شرکتی از منظر اصول و مبانی اسلامی انجام شده است. بسیاری از این مطالعات نتوانسته تصویر جامعی از حاکمیت شرکتی از منظر اسلام به دست دهد.

جدول زیر چارچوب و اصول اعلامی در هر یک از این تحقیقات را به صورت خلاصه نشان می‌دهد.

جدول ۱- چارچوب‌ها و اصول اعلامی جهت حاکمیت شرکتی در بانکهای اسلامی در تحقیقات مختلف

شرکت / بانک	اصول حاکمیت شرکتی	محقق
شرکت	اصول اخلاقی (همچون صداقت انصاف و شریعت افشا و شفافیت شورا	رستمی و همکاران، ۱۳۹۱
شرکت	اصل شناخت خداوند اصل عدالت به عنوان برابری و انصاف اصل اشتغال مولد از منابع در جامعه و فعالیت‌های اقتصادی اصل فعالیت‌های تعاملی بین مراحل	عمر چاپرا و حبیب، ۲۰۰۲
شرکت	ایشان چارچوب حاکمیت شرکتی در شرکت‌ها را بر پایه سه رکن اسلامی زیر بنا می‌نهند: شورا حسبه نقش کارکنان همچنین اصول زیر را به عنوان اصول اسلامی مورد توجه در حاکمیت شرکتی عنوان می‌کنند: اجتناب از اتلاف در مصرف، اسراف در تولید و توزیع منابع سود مشارکت به جای نرخ بهره تعهد اجتماعی برای پرداخت مالیات اموال و درآمد که در اسلام به نام زکات شناخته می‌شود پاسخگو بودن در مقابل خداوند رعایت اصول اخلاقی و انصاف در مورد دیگران	اسری و فهمی، ۲۰۰۳
شرکت	وی چارچوب حاکمیت شرکتی در شرکت‌ها را بر پایه سه رکن زیر بنا می‌نهند: توحید خلافت تکلیف از نظر وی یک چارچوب حاکمیت شرکتی بایستی هر دو جنبه نظارتی مبتنی بر شریعت و اخلاق اسلامی را به عنوان هسته ساختار خود قرار دهد. وی مدعی است نهادهای اسلامی زیر می‌تواند جهت نیل به حاکمیت شرکتی مؤثر مورد استفاده قرار گیرد: شورا حسبه حسابرسی دینی	عبدالرحمان، ۱۹۹۸
شرکت	تاکید بر نقش نهاد حسبه به عنوان نهاد اسلامی متولی حاکمیت شرکتی	جننا، ۲۰۱۵
شرکت	طراحی چارچوب یک شرکت اسلامی و پیش‌بینی اصول و ارکان زیر برای آن: اصل شرکت سرمایه شرکت امین شرکت (مدیران) رابطه شرکا (سهام‌داران) رکن اعانه و ترویج اسلام رکن قرض الحسنه	شاه آبادی، ۱۳۸۶

شرکت / بانک	اصول حاکمیت شرکتی	محقق
شرکت	<p>تطبیق اصول اعلامی توسط OECD با اصول اسلامی</p> <p>اصل ۱. اطمینان از مبنایی برای یک چارچوب حاکمیت شرکتی موثر گسترش تجارت با چارچوب اخلاقی شریعت اعتقاد در سود و زیان</p> <p>تقدم عدالت و رفاه اجتماعی با تعهدات اجتماعی و معنوی</p> <p>اصل ۲. حقوق سهام‌داران و کارکردهای اصلی مالکیت اموال به عنوان امانتی از جانب خدا قدرت مطلق از خدا</p> <p>جامعه به عنوان مجموعه ذی‌نفعان</p> <p>پاسخ‌گویی نه تنها در برابر ذی‌نفعان، بلکه همچنین در برابر خداوند به عنوان مالک مطلق</p> <p>اصل ۳. رفتار یکسان با سهام‌داران عدل و انصاف به عنوان ارزش</p> <p>توزیع یکسان ثروت به همه ذی‌نفعان و اعضای زیان دیده به شکل صدقه و زکات</p> <p>رفاه جامعه و افراد هم با تعهدات معنوی و هم اخلاقی احساس مساوات</p> <p>اصل ۴. نقش ذی‌نفعان در حاکمیت شرکتی پاسخگویی اسلامی برای رستگاری و رفاه اجتماعی رعایت تقسیم بندی حلال و حرام در معاملات رفاه اجتماعی و فردی از هر دو جنبه مادی و معنوی رسیدگی به تمام جامعه اصل ۵. افشا و شفافیت پاسخگویی با رعایت شریعت</p> <p>اهداف اقتصادی اجتماعی مرتبط با کنترل شرکت عدالت، تساوی، صداقت و شفافیت پاسخ‌گویی گسترده به‌طور مستند</p> <p>اصل ۶. مسئولیت‌پذیری هیئت‌مدیره پاسخ‌گویی نه تنها به شرکت یا هیئت‌مدیره یا ذی‌نفعان بلکه همچنین پاسخگویی در برابر خالق راهنمایی کامل و یک پارچه مذاکرات و تعاون در جستجوی مشورت برای هر تصمیم مربوط به ذی‌نفعان</p>	<p>عبدالسلام محمود، ۲۰۰۹</p>
شرکت	<p>پنج عنصر حاکمیت شرکتی خوب: کنترل محیط و فرآیندها کمیته‌ی حسابرسی مستقل تاسیس شده چارچوب / ساختار مدیریت ریسک ارائه شده شیوه‌های مدیریت داخلی به کار گرفته شده اعمال حسابرسی داخلی انجام شده سیستم‌های اطلاعات مدیریتی تاسیس شده شیوه‌های خوب مدیریتی نقش‌ها و مسئولیت‌ها به خوبی تعریف شده وظایف و مسئولیت‌های مدیران فهمیده شده هیئت‌مدیره به خوبی سازمان یافته ترکیب مناسب و مخلوطی از فعالیت‌ها روش خوب هیئت‌مدیره و مناسب داشتن با محیط</p>	<p>IFC و جوکمه</p>

شرکت / بانک	اصول حاکمیت شرکتی	محقق
	<p>کنترل داخلی، تطابق با شریعت و اصول اخلاقی این استاندارد هم چنین دوازده اصل مختلف را با جزئیات بیان می کند: اصل ۱: ساختار مؤثر مطابق با شریعت اصل ۲: رفتار منصفانه صاحبان سهام اصل ۳: رفتار عادلانه‌ی ارائه دهندگان بودجه و سایر ذی نفعان حائز اهمیت اصل ۴: شرایط مناسب برای هیئت‌مدیره و مدیریت اصل ۵: نظارت مؤثر اصل ۶: کمیته‌ی حسابرسی و حاکمیت اصل ۷: مدیریت ریسک اصل ۸: اجتناب از تضاد منافع اصل ۹: نظارت بر خط مشی پاداش مناسب اصل ۱۰: شفاف سازی عمومی اصل ۱۱: دستورالعمل و نظام نامه‌ی رفتار و اخلاق اصل ۱۲: اجرای مناسب اصول و استانداردهای حاکمیتی.</p>	
مؤسسات مالی اسلامی	<p>ایشان با تاکید بر زیرساخت قانونی چارچوب نظارت و حاکمیت شرکتی در مؤسسات مالی اسلامی را به صورت زیر تقسیم بندی می کند: چارچوب حاکمیت شرکتی ملی قوانین، اصول و راهنماهای بخش بانکی قوانین بورس‌ها و نهادهای ناظر بازار سرمایه استانداردها و اصول خاص شریعت و مالی اسلامی اصول راهنمای هیئت خدمات مالی اسلامی (IFSB) استانداردهای سازمان حسابداری و حسابرسی برای نهادهای مالی اسلامی (AAOIFI) استانداردها و اصول بین‌المللی اصول حاکمیت شرکتی (OECD) اصول حاکمیت شرکتی کمیته بال (BIS)</p>	سعیدی، ۲۰۰۹

منبع: یافته‌های تحقیق

همانگونه که ملاحظه می‌شود تحقیقات و اسناد مختلف اصول متفاوتی را برای حاکمیت شرکتی در اسلام عنوان می‌کنند. برخی از این تحقیقات مینا را بر چارچوب‌های ارائه شده توسط نهادهای بین‌المللی گذاشته و سپس به جرح و تعدیل و تشریح آن بر اساس اصول اسلامی پرداخته‌اند. برخی نیز اصول اسلامی را مبنای ساماندهی نظر خود قرار داده‌اند. همچنین برخی اصول اساسی را بر پایه مفاهیم بنیادی قرار داده‌اند و برخی ارکان و سازوکارهای کلیدی حاکمیت شرکتی را در جایگاه اصول بنیادی قرار داده‌اند و یا ارکان و نهادهای اسلامی مثل حسبه را به عنوان نهاد متناظر حاکمیت شرکتی معرفی کرده‌اند. با وجود این، اغلب آثار مورد اشاره دارای مضامین مشترک و نزدیک به هم است که در قالب‌های متفاوت بیان شده‌اند.

حاکمیت شرکتی در بانکها

بانکها به عنوان واسطه‌گر وجوه، همواره نقشی بی‌بدیل در اقتصاد هر کشور ایفاء نموده‌اند، لیکن ایفای این نقش، در کنار «حفظ منافع سپرده‌گذاران»، «حفظ اعتماد و اطمینان به بانکها» از یک طرف و از طرف دیگر پیچیدگی روزافزون عملیات بانکها و حساسیت آنها به بحران نقدینگی، شرایط پیچیده‌ای را در برقراری تعادل منافع میان همه ذینفعان یک بانک ایجاد کرده است. یکی از راهکارهای مناسب برای برقراری این تعادل، ارتقای حاکمیت شرکتی در بانکها است.

با عنایت به ضرورت بکارگیری شیوه‌های مؤثر حاکمیت شرکتی به منظور جلب و حفظ اعتماد عمومی نسبت به نظام بانکی و با توجه به اینکه در سال‌های اخیر از یک سو پیشرفت‌های قابل ملاحظه‌ای در جهت استقرار نظام حاکمیت شرکتی، از طریق قانون‌گذاری، اقدامات نظارتی و نیز اقدامات داوطلبانه بانکها صورت پذیرفته و از سوی دیگر، سپرده‌گذاران و دیگر ذینفعان بانکها نیز آگاهی بیشتری در مورد ضرورت و اهمیت نظام حاکمیت شرکتی یافته و نسبت به پیگیری استقرار این نظام علاقه‌مند شده‌اند، لذا طبیعی است که استقرار یک نظام جامع و مؤثر حاکمیت شرکتی می‌تواند بر توسعه و نیز عملکرد کارای بازارهای مالی، تخصیص بهینه منابع، جلوگیری از مواجه شدن بانکها با بحران نقدینگی و حتی ورشکستگی آنها تاثیرگذار باشد.

کمیته نظارت بانکی بال نخستین رهنمود خود را در خصوص اصول بهبود حاکمیت شرکتی در نظام بانکداری در سال ۱۹۹۹ منتشر و در سال ۲۰۰۶، رهنمود خود را مطابق با اصول حاکمیت شرکتی سازمان همکاری و توسعه اقتصادی بازنگری نمود. متعاقب انتشار رهنمود کمیته در سال ۲۰۰۶ و طی بحران مالی که از اواسط سال ۲۰۰۷ آغاز شد، ناکامیها و مشکلات بسیاری که در زمینه حاکمیت شرکتی پدید آمده بود، آشکار گشتند. از جمله؛ عدم نظارت کافی هیات مدیره بر هیات عامل، مدیریت ناکارآمد ریسکها و وجود ساختارهای بانکی که بی جهت پیچیده یا مبهم بودند. از اینرو کمیته تصمیم گرفت رهنمود خود را مورد بازنگری قرار دهد لذا با بازنگری و اصلاح اصول مربوطه، تداوم پذیرش و اهمیت بکارگیریشان توسط بانکها و ناظران را به منظور اطمینان از اجرای مؤثر حاکمیت شرکتی تثبیت نمود. همچنین در اکتبر سال ۲۰۱۰ اصول راهنمای حاکمیت شرکتی بانکها مجدداً بررسی گردیدند که سند منتشره نیز توسط بانک مرکزی ج.ا.ا ترجمه و به بانکها ابلاغ گردید.

اصول راهنمای حاکمیت شرکتی بانکها طبق آخرین سند کمیته نظارت بانکی بال به شرح زیر می‌باشد:

مسئولیت‌های کلی هیات مدیره

الزامات و ترکیب هیات مدیره

ساختار و وظایف هیات مدیره

مدیریت ارشد

حاکمیت ساختاری‌های گروهی

عملیات مدیریت ریسک

شناخت، ارزیابی و کنترل ریسک

گزارش دهی ریسک

انطباق با ریسک

حسابرسی داخلی

جبران خدمات

افشا و شفافیت

نقش ناظران (BIS, 2015).

نقش حاکمیت شرکتی در نظام بانکداری اسلامی

بانکداری اسلامی، ضمن اینکه درصدد حفظ اصول شریعت اسلامی بوده، با چالش‌های توسعه بین‌المللی مواجه است. مباحث مطرح شده در زمینه حاکمیت شرکتی در سیستم بانکداری تاکنون عموماً مربوط به نظام بانکداری مرسوم (غیراسلامی) است. چنانکه با وجود رشد سریع بانک‌های اسلامی از میانه دهه ۱۹۷۰ و افزایش حضور آنها در بازارهای مالی جهانی، مباحث اندکی در زمینه تقویت حاکمیت شرکتی در بانکداری اسلامی مطرح شده است. با وجود این، تحلیلگران بانکداری اسلامی، درصدد تطبیق حاکمیت شرکتی رایج در بانکداری مرسوم با الگوی شریعت اسلامی برآمده‌اند.

هیات خدمات مالی اسلامی در گزارش خود اصول راهنمای حاکمیت شرکتی در موسسات بانکی اسلامی را به شرح زیر پیشنهاد می‌دهد:

رویکرد کلی برای حاکمیت در موسسات خدمات مالی اسلامی

حقوق صاحبان حساب سرمایه‌گذاری

تطبیق با مقررات و اصول شریعت

شفافیت گزارش‌گری مالی در رابطه با حساب‌های سرمایه‌گذاری (IFSB, 2006)

پیشنهاد الگوی مؤثر در سیستم بانکداری ایران

بسیاری از مشکلات موجود در نظام بانکداری موجود ایران ناشی از نبود نظام و چارچوب مطلوب حاکمیت شرکتی در بانکداری کشور و همچنین ابهامات موجود در موضوع و محدوده حقوق ذی‌نفعان بانک‌ها می‌باشد. این مسئله طراحی یک چارچوب حاکمیت شرکتی مدرن و قابل قبول از نظر بین‌المللی و همچنین مبتنی بر اصول اسلامی که بتواند قابلیت اجرا داشته و با ویژگی‌های بومی ایران نیز همخوانی داشته باشد را اجتناب‌ناپذیر می‌کند.

بانک مرکزی در گزارشی دو الگوی پیشنهادی حاکمیت شرکتی مؤثر در سیستم بانکداری ایران را براساس اصول حاکمیت شرکتی از دیدگاه سازمان همکاری اقتصادی و توسعه و دیدگاه برخی از صاحب‌نظران که مغایرتی با

قوانین شرع اسلام ندارد و نیز اصول حاکمیت شرکتی از دیدگاه هیأت خدمات مالی اسلامی و بانک تسویه بین‌المللی به شرح زیر ارائه می‌کند:

- ۱- تأسیس بانک سرمایه‌گذاری متقابل و به‌کارگیری الگوی حاکمیت شرکتی
- ۲- اجرای دقیق قانون عملیات بانکی بدون ربا و به‌کارگیری الگوی تلفیقی حاکمیت شرکتی (ر.ک: روشن‌دل، ۱۳۸۶).

در گزارش مذکور بانک مرکزی نیز با تأکید بر لزوم تدوین چارچوب حاکمیت شرکتی در بانکداری اسلامی، راه حل جامعی برای آن ارائه نموده است و بر استفاده از الگوی تلفیقی بانکداری اسلامی تأکید نموده است. همانگونه که در شکل ۱ مشخص است اسناد بین‌المللی چارچوب و اصول اساسی حاکمیت شرکتی را در سطوح مختلف شرکت (OECD)، بانک (BIS) و بانک اسلامی (IFSB) معرفی کرده‌اند. اما خلا چارچوب کلان و اصول اساسی حاکمیت شرکتی برای نظام بانکداری اسلامی ایران مبتنی بر مبانی شیعی احساس می‌شود.

شکل ۱: سیر ادبیات حاکمیت شرکتی تا موضوع بحث (بانکداری بدون ربا ایران)



مدل طراحی چارچوب حاکمیت شرکتی در بانکداری بدون ربا ایران

در این مقاله ما چارچوب مفهومی متشکل از اصول اساسی اسلامی برای حاکمیت شرکتی مطلوب و مؤثر در نظام بانکداری بدون ربا ایران را ارائه می‌نماییم. نظام بانکداری مورد نظر در این تحقیق نظام بانکداری اسلامی مطلوبی می‌باشد که علاوه بر رعایت مقررات بین‌المللی و اسلامی بتواند نقش مؤثر خود را در توسعه و رشد اقتصادی کشور در سطح کلان و خرد ایفا نماید.

ابتدا جهت این منظور به بررسی و معرفی چندین اصل اساسی در ادبیات اسلامی که ارتباط نزدیکی با موضوع حاکمیت شرکتی دارند می‌پردازیم. سپس این اصول را با اصول متداول حاکمیت شرکتی در اسناد بین‌المللی مقایسه کرده و نهایتاً بر این اساس اصول اساسی چارچوب حاکمیت شرکتی در نظام بانکداری اسلامی را استخراج می‌کنیم.

اصول اساسی اسلامی مرتبط با حاکمیت شرکتی

عدالت

در تعریف لغوی عدل آمده است «العدل: الانصاف و هو اعطاء المرء ماله و اخذ ما علیه» (مصطفی ابراهیم و همکاران، ۱۹۸۹، ج ۲، ص ۵۹۴) عدل یعنی انصاف و این که به هر فرد آنچه اختصاص به او دارد بدهی و از او هر آنچه که باید گرفت بگیری.

امام علی^{علیه السلام} در این زمینه می‌فرماید:

«العدل موضعه» عدالت، آن است که هر چیزی در جای خودش قرار گیرد. و یا

«العدل اعطاء كل ذي حق حقه» (نهج البلاغه، حکمت ۴۳۷) عدالت، آن است که حق هر صاحب حقی،

داده شود.

علامه طباطبائی، معانی تساوی، وضع شیء در موضع خود و اعطاء حق هر صاحب حق به خودش را یکی

دانسته و می‌گویند:

«به هر امری آنچه سزاوار است بدهی، تا همه امور مساوی شود و هر یک در جای خود که مستحق آن است

قرار گیرد» (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۲، ص ۲۷۶).

شهید مطهری نیز عدالت را رعایت حقوق افراد و عطا کردن حق هر ذی حق به او می‌داند (مطهری، ۱۳۷۲،

ص ۶۲-۵۹). هدف بعثت انبیا از دیدگاه قرآن، عدالت است. لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ

لِيُقِيمُوا النَّاسَ بِالْقِسْطِ (حدید: ۲۵).

امیر مؤمنان علی^{علیه السلام} عدالت را مایهٔ حیات و پویایی جامعه دانسته (حکیمی، ۱۳۸۰، ج ۵، ص ۲۹۷) و بهترین چشم

روشنی زمامدار (عادل و مؤمن) را توسعهٔ عدالت در مملکت و نتیجهٔ پیدایش دوستی در بین رعیت بیان می‌فرمایند

(حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۱۳۳).

پیامبر اسلام (ص) می‌فرماید: «آسمانها و زمین بنا به عدل برپا گشتند».

بر اساس دیدگاه بنیانگذار انقلاب اسلامی ایران، امام خمینی^{علیه السلام} و مقام معظم رهبری آیت الله خامنه‌ای، بسط

عدالت با تعریفی که در منابع اسلامی از آن شده، در تمام ابعاد جامعه ضروری است، بلکه اولین و مهمترین ارزش

که باید همه، اعم از دولت و مردم پیگیر حاکمیت آن در جامعه باشند، «عدالت» برشمرده شده است (موسوی

خمینی، بی‌تا، ج ۳، ص ۳۰۴ و ۳۲۷ و ۴۸۸).

عدالت در سازمان

سازمان نیز که یک مفهوم جدید و مدرن است، مثل یک جامعه و تابع قوانین حاکم بر آن است؛ می‌تواند ظلم کند یا

عدالت بورزد. وقتی از عدالت در سازمان صحبت می‌شود، بیشتر عدالتی به ذهن متبادر می‌شود که از سازمان در

ارتباط با دیگران بروز و ظهور پیدا می‌کند؛ ولی در دیدگاه قرآنی، سازمان به مثابهٔ جامعه و همانند انسان، سه نوع

ارتباط دارد: ارتباط با خداوند، ارتباط با خود و ارتباط با دیگران؛ یعنی سه نوع عدالت در اینجا قابل تصور است:

رفتار عادلانه سازمان در ارتباط با خداوند،

رفتار عادلانه سازمان با خود و

رفتار عادلانه سازمان با سایرین (محمدنژاد چاوشی و همکاران، ۱۳۹۴).

عدالت در بانکداری اسلامی

اولین و مهم‌ترین اصل اساسی در بانکداری اسلامی که روح و ماهیت اسلامی را در آن متجلی می‌سازد و نقطه افتراق قابل توجهی میان این نوع از بانکداری با بانکداری متعارف شکل می‌دهد، موضوع اصل بودن عدالت در نظام اقتصاد اسلامی (به طور عام و در بانکداری و مالی اسلامی به طور خاص) می‌باشد. به عبارت دیگر، در نظام مالی اسلام، لازم است تمامی روابط و مناسبات در چارچوبی عادلانه تدوین گردند و هر گونه رابطه‌ای که با معیارهای عدالت ناسازگاری قطعی داشته باشد، یا نامشروع می‌باشد و یا اینکه حداقل نباید از این رابطه استفاده نمود (هر چند در ظاهر بدون اشکال به نظر رسد) (میسمی، ۱۳۹۲)

مسئله عدالت در قانون بانکداری بدون ربا مورد تاکید قانون گذار قرار گرفته است به صورتی که در تعریف اهداف نظام بانکداری در ماده یک این قانون عدالت را مبنای این نظام بر می‌شمرد:

«الف) استقرار نظام پولی و اعتباری بر مبنای حق و عدل (با ضوابط اسلامی) به منظور گردش صحیح پول و اعتبار در جهت سلامت و رشد اقتصاد کشور،

ب) ایجاد تسهیلات لازم جهت گسترش تعاون عمومی و قرض الحسنه از طریق جذب وجوه آزاد، اندوخته‌ها، پس انداز و سپرده‌ها و تجهیز آنها در جهت تأمین شرایط و امکانات کار و سرمایه‌گذاری به منظور اجرای بند ۲ و ۹ اصل چهارم و سوم قانون اساسی...»

از بانکهای اسلامی انتظار می‌رود با توجه به تأکید دین مبین اسلام بر تحقق عدالت اجتماعی؛ نسبت به بانکهای غیراسلامی، مسؤولیت بیشتری در قبال مسائل اجتماعی داشته باشند. ازاینرو این نهاد اسلامی، با ویژگیهای خاص خود، میتواند از طرفی به تحقق توسعه متعادل اقتصادی، و از طرف دیگر به رفع فقر، بهبود توزیع درآمد و درنهایت تحقق عدالت اجتماعی و توزیع عادلانه ثروت توأم به رفاه اقتصادی کمک کند (محقق‌نیا، ۱۳۸۹). از مهمترین اصول اخلاقی حاکم بر بانکداری اسلامی می‌توان مواردی نظیر دسترسی عادلانه اقشار مختلف جامعه به خدمت و محصول بانک در بانکداری اسلامی، تأکید بر استقرار و توسعه قرض الحسنه برای پاسخگویی به نیاز مالی نیازمندان، تلاش برای محرومیت زدایی و توانمندسازی قشرهای ضعیف جامعه با استفاده از تأمین مالی خود، آسان‌سازی و روان‌سازی فرایند ارائه خدمات به مشتریان به‌منظور کسب رضایت آنها، تنظیم وثایق موردنیاز برای ارائه تسهیلات متناسب با توان مشتری، برشمرد.

جنبه‌های عدالت در نظام بانکی

مفهوم عدالت در نظام بانکی را می‌توان از جنبه‌های مختلف و متعددی مورد بررسی و ارزیابی قرار داد. شماری از موضوعاتی که اغلب در این نظام مورد بحث از منظر عدالت هستند به شرح زیر است:

عدالت در توزیع منابع بانکی (با هدف توسعه و رشد اقتصادی - عدالت بین مشتریان)

عدالت در ارائه خدمات بانکی
عدالت در تعیین نرخ سود (سپرده‌ها - تسهیلات)
عدالت در تسهیم بازده و ریسک (بین سهامداران و سپرده‌گذاران)
عدالت در رابطه بین سهامداران (نهادی و خرد)
عدالت نسبت به جامعه (مسئولیت‌های اجتماعی)
عدالت در رابطه دولت و بانک
عدالت در منابع انسانی (شایسته‌سالاری، جبران خدمان)

عدالت و حاکمیت شرکّتی در بانک ها

تاکنون مشخص شد که عدالت به عنوان موضوعی جهان شمول، در سازمان‌ها نیز از جنبه‌های مختلف موضوعیت پیدا می‌کند. از سوی دیگر موضوعات حاکمیت شرکّتی نیز از بسیاری جهات مرتبط با عدالت هستند. این در حالی است که عدالت از اهداف ایجاد نظام حاکمیت شرکّتی نیز بر شمرده می‌شود:

«حاکمیت شرکّتی، مجموعه‌ای از نظام‌ها، فرآیندها و ساختارهایی است... در پی کسب اطمینان از رعایت حقوق ذینفعان، پاسخگویی، شفافیت و عدالت در واحد تجاری است» (هرورانی، ۱۳۹۲، ص ۱۲).

تمامی جنبه‌هایی از حاکمیت شرکّتی که بر روابط بین گروه‌ها و ذی‌نفعان مختلف در بانک تمرکز می‌کنند مبتنی بر اصل عدالت هستند و تاکید بر رسیدن به عدالت در روابط فی‌ما بین دارند. از این رو ما در این تحقیق عدالت را به عنوان یک اصل بنیادی در چارچوب حاکمیت شرکّتی در بانک‌های اسلامی قرار می‌دهیم.

امانت

امانت در لغت از «امن» به معنای ایمنی و اطمینان و امانت را هم امانت گویند چون شخص امانت‌گذار از خیانت آن کسی که امانت پیش اوست مطمئن و ایمن است (طریحی، بی‌تا، ج ۴، ص ۴۸۳) در بیان عرف و اندیشمندان اسلامی امانت - هر چه باشد - به معنای چیزی است که نزد غیر به ودیعه بسپارند تا آن را برای سپارنده حفظ کند و سپس به وی برگرداند (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۳۷۰).

شهید مطهری در تعریف امانت می‌فرماید:

«امانت یعنی چیزی که نه به خود انسان بلکه به دیگران تعلق دارد به او بسپارند به عنوان پاسداری که تو نگهدارشی باش، حافظ و نگهدار و نگهدار آن باش. امانات، پیمان انسانی است؛ یعنی دایره اش حتی از اسلام وسیع‌تر است به معنی اینکه اسلام دایره رعایت امانات را از حوزه مسلمین هم بیرون می‌داند. از نظر اسلام رعایت امانت واجب است ولو در مورد غیر مسلمان. این تعریف امانت است.» (مطهری، ۱۳۸۸، ج ۲۷، ص ۷۲۹).

امانت و امانت داری همواره در اسلام یکی از ویژگی‌های مهم مومنین شمرده شده است. در حدیثی از امام صادق (ع) آمده است: «خداوند هیچ پیامبری را مبعوث نکرد، مگر این که راست گویی و اداء امانت نسبت به نیکوکار و بدکار جزء تعلیمات او بود» (کلینی، ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۱۰۴).

سازمان به مثابه امانت در اسلام

جواعتلی آذر در کتاب خود سازمان را در اسلام به عنوان (و تحت استعاره) امانت معرفی می‌کند (جواعتلی آذر، ۱۳۹۱، ص ۵۷). در این نگاه سازمان در اختیار مدیرانش به عنوان یک امانت می‌باشد که بایستی ایشان امانت دار دیگر ذی نفعان در سازمان باشند. آیه الله جوادی در تفسیر تسنیم سمت‌های اجتماعی و مسئولیت‌های اداری را تعهدی می‌داند که مشمول اطلاق لفظ امانت در این آیه می‌شوند (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج ۱۹، ص ۲۳۲-۲۳۳).

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَخُونُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ وَتَخُونُوا أَمَانَاتِكُمْ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ» (انفال: ۲۷) «ای کسانی که ایمان آورده اید، خیانت نکنید به خدا و رسول و زنهار از اینکه به امانت‌های خود خیانت کنید، با اینکه می‌دانید» اماناتی که در این آیه از خیانت به آنها نهی شده است اموری هستند که خداوند و رسولش (ص) به آنها امر کرده اند و از طرفی نیز این امانات وجهه اجتماعی داشته و در صورت رعایت آنها مجتمع اسلامی نیرومند می‌گردد. با توجه به آن چه گفته شد به راحتی می‌توان پی برد که سازمان‌های دولتی یک کشور اسلامی نیز جزئی از این امانات بوده و در این آیه مؤمنین از خیانت نسبت به آنها نهی شده اند.

حضرت علی (ع) در حکم برخی از استانداران خود به این که حکومت و مسئولیت سپرده شده به او را امانت بخوانند اکتفا کرده و با همین یک جمله تکلیف تمامی افعال او را در قبال حکومت مشخص کرده اند. ایشان در نامه به رفاعه می‌فرمایند «أَعْلَمُ يَا رِفَاعَةُ أَنَّ هَذِهِ الْأَمَارَةَ أَمَانَةٌ» و سپس نیز او را از خیانت در این امانت باز می‌دارند و گویا با همین یک جمله تکلیف او را مشخص کرده اند، پیامبر اکرم نیز به یکی از کارگزارانشان توصیه می‌کنند که معاونان خود را از اهل امانت برگزینند. ایشان در این پیمان نامه می‌فرمایند:

«برای هر یک از کارهایت سرپرستی از اهل امانت و اهل نظر برگزین که بزرگی کار بر او چیرگی نیاید، و کوچکی کار موجب تضییع آن کار در نزد او نشود.» (نوری ۱۴۰۸، ج ۱۳، ص ۱۵۷).

امانت و حاکمیت شرکتی در بانک‌ها

مفهوم امانت در ادبیات و معارف اسلامی ارتباط تنگاتنگی با مفاهیم حاکمیت شرکتی همچون مسئولیت‌های هیات مدیره و مدیران اجرایی و ارکان مختلف نظارتی همچون حسابرسان، بازرسان، نهادهای ناظر و دیگر ارگان‌های سازمان دارد. در صورتی که سازمان را بر اساس نظریه فوق‌الذکر امانت مالکان در اختیار مدیران بدانیم می‌توان امانت را از اصول بنیادی حاکمیت شرکتی در بانک‌های اسلامی دانست. رابطه بین مدیران با سهامداران و سپرده گذاران و دیگر ذی نفعان در بانکداری اسلامی را می‌توان بر اساس اصل امانت تعریف نمود.

صداقت

منظور از «صدق» در منطق، مطابقت خبر با واقع است، اما در اخلاق، به مطابقت خبر با اعتقاد خبررسان گفته می‌شود. در منطق، سخن از «صدق» و در اخلاق، سخن از «صداقت» است. «صدق» منطقی، وصف قضیه و به معنای مطابقت قضیه با واقع و نفس الامر است.

صدق و صداقت؛ بارزترین مشخصه پیامبران الهی در دعوت مردم به سوی خدا است؛ از این‌رو، راست‌گویی از اعمال نیک و پسندیده انسانی بوده و نزد دین و خرد از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. فطرت پاک انسان ایجاب می‌کند که انسان سالم و متعادل، دل و زبانش یکسو و هماهنگ باشد، ظاهر و باطنش یکی باشد و آنچه را باور دارد بر زبان جاری کند. لذا در روایات؛ گاهی صدق در کنار مفاهیمی؛ مانند: ایمان، تقوا، امانت‌داری، وفای به عهد و... قرار می‌گیرد. مقصود از آن صدق در کردار است که مقامی بالاتر از صدق در گفتار هست؛ یعنی صادق واقعی؛ دارای شخصیتی معنوی می‌باشد، که به هر آنچه می‌گوید، عمل می‌کند و به آن اعتقاد دارد. اگر مدعی ایمان به خدا است، لوازم آن را می‌پذیرد؛ یعنی مثلاً چنانچه عهدی می‌بندد، به آن وفادار می‌باشد، در امانت خیانت نمی‌کند، بخشی از مال خود را انفاق می‌کند، و...

در آیه ۱۱۹ سوره توبه آمده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ»؛ ای کسانی که ایمان آورده اید از (مخالفت فرمان) خدا بپرهیزید و با صادقان باشید.

در این که منظور از صادقین چه کسانی است، اگر به خود قرآن مراجعه کنیم در آیات متعددی صادقین را تفسیر کرده است. از مجموع این آیات نتیجه می‌گیریم که صادقین آن هائی هستند که تعهدات خود را در برابر ایمان به پروردگار به خوبی انجام می‌دهند، نه تردیدی به خود راه می‌دهند، نه عقب نشینی می‌کنند، نه از انبوه مشکلات می‌هراسند بلکه با انواع فداکاری ها، صدق ایمان خود را ثابت می‌کنند.

امام صادق علیه السلام فرمود: گول نماز و روزه دیگران نخورید چه بسا کسی به نماز و روزه شیفته می‌شود تا آن جا که اگر ترک کند به هراس می‌افتد، ولی آن‌ها را به راستگویی و امانتداری امتحان کنید (کلینی، ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۱۰۴).

صداقت در اقتصاد و بانکداری

در بخش‌های قبل با تعریف صداقت در آیات و روایات آشنا شدیم اما برای نزدیکتر شدن به موضوع بحث بایستی تلاش کنیم تا مصادیق صداقت را در اقتصاد و بانکداری مورد بحث قرار دهیم.

از آنجا که بسیاری از متون اسلامی نزدیک با موضوع بانکداری و اقتصاد در حوزه معاملات و بازار می‌باشند بهتر است ابتدا تعریف صداقت در بازار را مورد بررسی قرار دهیم. رجایی و کاظمی در مقاله خود شاخص‌هایی را برای سنجش صداقت در بازار به شرح زیر معرفی می‌کنند:

شناخت: منظور از «شناخت» آگاهی نسبت به احکام، مقررات و اخلاق معاملات است. قانونمندی و نظم (ثبت و ضبط و شفافیت معاملات): منظور از «قانونمندی و نظم» در بازار اسلامی این است که هر مبادله باید در قالب قرارداد خاصی صورت گیرد.

راست‌گویی: راست‌گویی در اینجا، اخص از صداقت است. راست‌گویی قسیم وفای به عهد، امانت‌داری و انصاف است و شامل آنها نمی‌شود. وفای به عهد: یکی از معیارهای تحقق صداقت در سازکار بازار اسلامی، میزان پایبندی افراد به تعهدات خودشان است.

نفی غش: «غش» در لغت، به معنای نشان دادن خلاف آنچه پنهان است و نیز به معنای نیرنگ و خیانت آمده و در اصطلاح، به معنای اخفای عیب موجود یا اظهار ویژگی مفقود است. نفی تبانی: واحدهای اقتصادی در بازار می‌توانند با سوء استفاده از خلل‌های قانونی با یکدیگر تبانی کنند و خلاف واقع را به عنوان واقع ارائه کرده، از برهم ریختن بازار سوء استفاده نمایند (رجایی و کاظمی، ۱۳۹۰).

صداقت و حاکمیت شرکتی در بانکها

صداقت به عنوان یک مفهوم گسترده اسلامی ارتباط نزدیکی با مفاهیم افشا و شفافیت در ادبیات حاکمیت شرکتی دارد. مفاهیمی همچون راستگویی، وفای به عهد، نفی غش و نفی تبانی همگی مفاهیم اسلامی متناظر با مفاهیم و اصول حاکمیت شرکتی می‌باشند. همچنین شناخت به عنوان یک پیش نیاز جهت اجرای حاکمیت شرکتی مؤثر و مناسب می‌تواند از طریق افزایش دانش مدیران به قوانین و مقررات نگریسته شود. در صورتی که مدیران بانکها به صفات صادقین نیز آراسته شوند از مرحله شفافیت متعارف به صداقت اسلامی خواهیم رسید که در این مرحله نه تنها به ظاهر به اصول شفافیت و راستگویی عمل خواهد شد بلکه انگیزه‌های درونی همچون ایمان و خداترسی و عاقبت جویی نیز به این امر کمک خواهد نمود.

رعایت (تطابق با اصول و مقررات شرع)

رعایت مفاد قراردادهای مفهوم بنیادین و هدف اصلی در ایجاد بانکداری اسلامی در اقصی نقاط دنیا می‌باشد. مسلمانان در کشورهای مختلف، حتی کشورهای غیر مسلمان برای پایبندی به اصول شرعی علی‌الخصوص اجتناب از ربا روی به بانکداری اسلامی آورده‌اند.

در این قسمت به تعریف جایگاه و نقش رعایت مفاد قراردادهای بانکداری اسلامی و همچنین نقش و جایگاه آن در حاکمیت شرکتی در بانکهای اسلامی می‌پردازیم.

تعریف رعایت در بانکداری متعارف

واژه رعایت (Compliance) یا تطبیق به مفهوم «متابعت از یک قاعده» می‌باشد. به عبارت دیگر، اگر قاعده‌ای وجود داشته باشد و از آن اطاعت شود و مفاد آن رعایت شود، آن قاعده رعایت شده است. از همین رو، برخی این واژه را در زبان فارسی معادل «رعایت» و گاه «تطبیق» ترجمه نموده‌اند.

یکی از مهم‌ترین تعاریف از رعایت در سال ۲۰۰۵ توسط کمیته نظارت بانکی بازل ارائه شده است. این تعریف، از خود مفهوم رعایت نیست، بلکه از ریسک رعایت است اما در هر حال، راهگشاست و مفهوم رعایت را روشن می‌کند.

بر اساس این تعریف ریسک رعایت عبارتست از ریسک مجازات‌هایی که بر اساس قانون یا مقررات وضع می‌شوند؛ و یا ریسک زیانهای عملیاتی و یا ریسک لطمه به حسن شهرت بانک در نتیجه عدم متابعت از قوانین و مقررات، قواعد، استانداردهایی که نهادهای خود انتظام وضع کرده‌اند و ضوابط رفتاری که حاکم بر فعالیت‌های بانکی هستند و به همه آنها در مجموع قوانین، مقررات و استانداردهای رعایت گفته می‌شود.

با توجه به این تعریف می‌توان گفت کار کسی که به او مدیر رعایت می‌گوییم و ادارای که به آن اداره رعایت می‌گوییم عبارتست از شناسایی، مدیریت و کاهش ریسک‌های رعایت.

بنابراین، رعایت چیزی فراتر از متابعت از قوانین و مقررات است و نمی‌توان آن را به رعایت قوانین و مقررات فروکاست. شرکتها برای کسب سود ایجاد می‌شوند نه برای رعایت قوانین و مقررات؛ اما باید فعالیت‌های خود برای بدست آوردن سود را به گونه‌ای انجام دهند که بر اساس قوانین و مقررات عمل نمایند.

آنچه که میان این دو امر ظاهراً زاویه دار (یعنی کسب سود و رعایت قوانین و مقررات) پلی ایجاد می‌کند و آنها را به هم نزدیک می‌کند، رعایت است. از این روست که رعایت را یک فرهنگ و یک کارکرد هم دانسته‌اند. تا این فرهنگ و این کارکرد وجود نداشته باشد، شرکت در هر جایی که ناچار باشد قوانین را رعایت می‌کند و در هر جایی که بتواند از اجرای قوانین طفره می‌رود.

در تعریف دیگری از کارکرد رعایت گفته شده است کارکرد رعایت در یک موسسات مالی عبارتست از شناسایی الزامات قانونی، مقرراتی و رویه‌هایی که اجرای آنها در شرکت لازم است و اجرای ترتیبات، سیستم‌ها و کنترل‌های لازم برای تسهیل اجرای این تعهدات و الزامات (قنبری، ۱۳۹۵).

رعایت (تطابق با اصول و مقررات شرع) در بانکداری اسلامی

مهم‌ترین مسئله‌ای که به لحاظ کاربردی اهمیت بسیار بالایی در بانکداری و مالی اسلامی دارد و یکی از ویژگی‌های اصلی این نوع از بانکداری به حساب می‌آید، سازگاری کامل تمامی روابط با فقه اسلامی است. در واقع لازم است در بانکداری و مالی اسلامی هر نوع رابطه‌ای که بین ذی‌نفعان برقرار می‌گردد به لحاظ فقه اسلامی بدون اشکالی باشد (موسویان و میسمی، ۱۳۹۴، ص ۴۷).

جهت رسیدن به مفهوم بانکداری اسلامی لازم است تا تمامی اصول و ضوابط و مفاد قراردادهای اسلامی در بانکداری مورد رعایت قرار گیرند.

تمامی این اصول را می‌توان در دو دسته «ضوابط فقهی عمومی» و «ضوابط فقهی اختصاصی» تقسیم‌بندی نمود. هر دو دسته از ضوابط، از ویژگی‌هایی به حساب می‌آید که لازم است در عملیات بانکداری اسلامی وجود داشته باشد و در غیر این صورت، این فعالیت به لحاظ شرعی مورد تأیید نیست و رعایت لازم و تطبیق با مقررات اسلام صورت نپذیرفته است.

چارچوب کلان حاکمیت شرکتی در بانکداری اسلامی

اصول مطرح شده در فوق از مهمترین اصول اسلامی هستند که ارتباط مفهومی بسیاری با اصول موجود در چارچوب‌های مختلف حاکمیت شرکتی موجود در جهان دارند (جدول ۲).
اصل عدالت در ادبیات اسلامی مترادف با اصول رعایت حقوق ذی نفعان، انصاف، گروه‌های ذی نفعان، مدیریت و کنترل ریسک (از جهت حفظ حقوق همه ذی نفعان) می‌باشد.

جدول ۲: اصول اساسی چارچوب حاکمیت شرکتی در بانکداری اسلامی پیشنهادی و تطبیق اصول چارچوب‌های موجود

اصول پیشنهادی	OECD (۲۰۰۵)	IFC & Hawkamah	IFSB	AAOIFI
عدالت	اطمینان از مبانی	حقوق سهامداران	حقوق	رفتار منصفانه
(انصاف)	یک چارچوب	تعهد نسبت به	صاحبان	صاحبان سهام
رعایت	حاکمیت شرکتی	رعایت حاکمیت	حساب	رفتار عادلانه ی ارائه
حقوق	اثربخش	شرکتی	سرمایه‌گذاری	دهندگان بودجه و
ذینفعان	حقوق و رفتار	شناخت، ارزیابی و		سایر ذی نفعان
	عادلانه	کنترل ریسک		حائض اهمیت
عدالت	سهامداران و	انطباق با ریسک		مدیریت ریسک
	وظایف کلیدی			اجتناب از تضاد منافع
	مالکیت			اجرای مناسب اصول
	سرمایه‌گذاران			و استانداردهای
	نهادی، بازارهای			حاکمیتی.
	سهام و دیگر			
	واسطه‌ها			

AAOIFI	IFSB	IFC & Hawkamah	BIS	OECD (۲۰۱۵)	OECD (۲۰۰۵)	اصول پیشنهادی
				نقش ذینفعان در حاکمیت شرکتی		
پاسخگویی، شرایط مناسب برای هیئت مدیره و مدیریت نظارت موثر کمیته ی حسابرسی و حاکمیت نظارت بر خط مشی پاداش مناسب	رویکرد کلی برای حاکمیت در موسسات خدمات مالی اسلامی	کنترل محیط و فرآیندها شیوه‌های خوب مدیریتی	مسئولیت‌های کلی هیات مدیره الزامات و ترکیب هیات مدیره ساختار و وظایف هیات مدیره مدیریت ارشد جبران خدمات	چارچوب مسئولیت‌های هیئت مدیره	پاسخگویی	امانت
کنترل داخلی، شفافیت، شفاف‌سازی عمومی	شفافیت گزارش‌گری مالی در رابطه با حساب‌های سرمایه‌گذاری	شفافیت	افشا و شفافیت گزارش‌دهی ریسک حسابرسی داخلی نقش ناظران	افشا و شفافیت	شفافیت	صداقت
تطابق با شریعت و اصول اخلاقی ساختار مؤثر مطابق با شریعت دستورالعمل و نظام نامه رفتار و اخلاق	تطبیق با اصول و مقررات شریعت					رعایت

همانگونه که در جدول ۲ مشاهده گردید تمامی اصول مطرح‌شده در اسناد حاکمیت شرکتی بین الملل در چهار اصل بنیادی اسلامی پیشنهادی ما جای می‌گیرند. به نظر می‌رسد می‌توان بر اساس چهار اصل مذکور تمامی مفاهیم متداول در حوزه حاکمیت شرکتی در بانکداری را به همراه موضوعات اسلامی تجمیع نمود و چارچوبی جامع برای حاکمیت شرکتی در بانک‌های اسلامی مبتنی بر اصول اسلامی تدوین نمود.

شکل زیر چارچوب حاکمیت شرکتی در بانک‌های اسلامی را نشان می‌دهد. این چارچوب بر اساس چهار اصل اساسی اسلامی (صداقت، امانت و عدالت و رعایت مفاد قراردادها) شکل گرفته است. هر یک از این اصول دارای حوزه مفهومی گسترده‌ای هستند که مفاهیم و اصول مختلفی از حاکمیت شرکتی را شامل می‌شوند. در شکل زیر مهمترین موضوع موجود در ادبیات حاکمیت شرکتی مرادف با اصول پیشنهادی نیز ذکر شده است.

شکل ۲- چارچوب پیشنهادی حاکمیت شرکتی در بانکداری اسلامی



این چارچوب پس از جمع‌بندی اصول پیشنهادی اسلامی بر اساس مطالعات کتابخانه‌ای و همچنین استخراج اصول حاکمیت شرکتی متعارف و دسته‌بندی بر اساس روش تحلیل محتوا و تطبیق آن‌ها با اصول متعارف به دست آمد و در انتها با پرسش از خبرگان تحقیق مورد تنقیح و تایید قرار گرفت.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

موارد زیر در مورد چارچوب کلی به دست آمده قابل ذکر است:

چارچوب به دست آمده اصول و ارزش‌های اسلامی بنیادی ساختار دهنده حاکمیت شرکتی در بانک‌های اسلامی را در بر می‌گیرد.

در برخی از تحقیقات و آثار دانشمندان مسلمان (که برخی از آنها در جدول ۱ ذکر گردید مثل اسری و فهمی، ۲۰۰۳) چارچوب‌هایی برای حاکمیت شرکتی در بانک‌های اسلامی تعریف شده‌اند که اصول و اجزای آنها راهکارهای یا ابزارهای حاکمیت شرکتی به شمار می‌روند. مبتنی بر اسناد معتبر بین‌المللی به نظر می‌رسد در بالاترین سطح یک چارچوب جامع برای حاکمیت شرکتی بایستی اصول بنیادی و معرفتی که ساختار حاکمیت شرکتی بر آنها شکل می‌گیرد قرار گیرد. در این پژوهش چهار اصل بنیادی اسلامی که بنیان معرفتی اسلام در حوزه حاکمیت شرکتی را نشان می‌دهند به عنوان اصول حاکمیت شرکتی استخراج و معرفی گردید.

بر این اساس قانون‌گذاران، ناظران و مجریان حاکمیت شرکتی در نظام بانکداری اسلامی خواهند دانست چه اصول اسلامی را بایستی در فرآیند تقنین، نظارت و اجرای حاکمیت شرکتی مد نظر قرار داشته باشند. و از این پس اصول و ضوابط قراردادها تنها ملاک اسلامی بودن نظام بانکی به شمار نمی‌رود. بلکه توجه به تمامی جنبه‌های اسلامی بایستی در تحقق بانکداری اسلامی مد نظر باشند.

از طریق این چارچوب مشخص می‌شود هر یک از اصول، ساز و کارها، ارکان حاکمیت شرکتی و وظایف آن‌ها با چه اصول اسلامی مرتبط هستند و بایستی رعایت آن‌ها را مد نظر قرار دهند. هر یک از این اصول چهارگانه به مثابه ریشه‌های اسلامی درخت و نظام حاکمیت شرکتی هستند که حاکمیت شرکتی اسلامی و مفاهیم آن بر پایه و تکیه بر این معارف شکل و نزج می‌گیرد. در حالی که هر یک از اصول، ساز و کارها یا ارکان حاکمیت شرکتی رابطه عمومی با تمامی اصول اسلامی مطروحه دارند ارتباط نزدیکی با اصل مستقیم خود نیز دارند و در حوزه معنایی آن قرار می‌گیرند. از این رو محقق یا قانون‌گذار می‌داند که بایستی در تدوین یا اجرای آن اصل موضوعه اسلامی مربوط را مد نظر بیشتر قرار دهد.

اصل بنیادی عدالت به معنای رعایت عدالت در تمامی زمینه‌ها و روابط فی ما بین ارکان و اجزا و ذی‌نفعان در بانکداری اسلامی به شمار می‌رود. این اصل در حوزه حاکمیت شرکتی در مبحث رعایت حقوق ذی‌نفعان و روابط فی ما بین ایشان نمود بیشتری پیدا می‌کند. بایستی تمامی روابط فی‌مابین ارکان و ذی‌نفعان بر اساس مبانی اسلامی مفهوم عدالت طراحی و اجرا گردد. با عنایت به تمرکز این پژوهش در حوزه حقوق ذی‌نفعان در ادامه این تحقیق به بررسی و تشریح جایگاه عدالت در رعایت حقوق ذی‌نفعان در بانکداری اسلامی خواهیم پرداخت.

شکل ۳- درختواره چارچوب حاکمیت شرکتی در بانکداری اسلامی



اصل بنیادی امانت به معنای امانت‌داری مدیران و مجریان و دیگر ارکان بانکها و نظام بانکی در برابر دیگر ذی‌نفعان، جامعه و حکومت اسلامی و شارع مقدس می‌باشد. در طراحی و اجرا وظایف و مسئولیت‌های مدیران و ارکان نظام بانکی بایستی مبانی اسلامی مفهوم امانت مورد نظر پژوهشگران و مقننین قرار گیرد. موضوعات حاکمیت شرکتی همچون مسئولیت‌های مدیران و ناظران و مباحث نظارت و تطبیق از موضوعات دارای ارتباط مفهومی نزدیک به اصل بنیادی امانت می‌باشد.

اصل بنیادی صداقت به معنای صداقت‌مداری مدیران و مسئولین بانکها و نظام بانکی در برابر سهام‌داران و مشتریان و دیگر ارکان نظارتی می‌باشد. در طراحی و اجرای نظام‌های نظارتی در نظام بانکی بایستی مبانی اسلامی امانت مورد نظر قرار گیرد تا علاوه بر شفافیت به مفهوم صداقت اسلامی نزدیک شویم. موضوعاتی همچون

شفافیت و افشاء، پاسخگویی و مشتری مداری و... از موضوعاتی در حوزه حاکمیت شرکتی هستند که ارتباط مفهومی تنگاتنگی با اصل بنیادی صداقت دارند.

در نهایت اصل بنیادی رعایت مفاد قراردادهای به معنای رعایت اصول و ضوابط عمومی و اختصاصی قراردادهای در عملیات بانکداری اسلامی می‌باشد. این اصل بدون اختلاف در تمامی چارچوب‌ها و نظریات بانکداری اسلامی به عنوان مبنای تفاوت بانکداری اسلامی با متعارف برشمرده می‌شود. تجارب عملی بانکداری اسلامی نشان داده است که تکیه بر اصول و ضوابط عمومی و اختصاصی قراردادهای به تنهایی نمی‌تواند باعث تمایز بانکداری اسلامی از بانکداری متعارف و رسیدن آن به اهداف متعالی اقتصاد اسلامی گردد. از این رو بایستی مفهوم شریعت در بانکداری اسلامی فراتر از اصول و ضوابط شرعی قراردادهای تعریف گردد؛ که در این چارچوب ما تلاش کرده ایم این مسئله را حل نماییم.

لازم به ذکر است که تمامی اصول مطرح شده شرعی و اسلامی می‌باشند. از این رو اصول عدالت، امانت و صداقت نیز ماهیتی شرعی و فقهی دارند. اما در این تحقیق منظور از اصل رعایت مفاد قراردادهای محدود به رعایت مقررات و اصول عمومی و اختصاصی قراردادهای مورد استفاده در بانک‌ها می‌باشد. شریعت و تطابق با فقه به معنای اعم آن، بر کل چارچوب شامل چهار اصل مذکور تطبیق داده می‌شود.

به نظر محقق با رعایت تمامی اصول رعایت، صداقت، امانت و عدالت در نظام بانکی می‌توان به مفهوم واقعی بانک اسلامی نزدیک شد. و از سطح بانکداری بدون ربا و همچنین رعایت شرعی (در سطح قراردادهای) به سطح بانکداری اسلامی واقعی رسید. از این رو چارچوب به دست آمده جهت حاکمیت شرکتی در بانک‌ها را می‌توان به عنوان چارچوب حاکمیت شریعت در بانکداری اسلامی ایران عنوان نمود.

نهج البلاغه، ۱۳۸۱، شریف رضی، ترجمه محمد دشتی، قم، خوشرو.

جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۹، *تسنیم*، قم، اسراء.

جوانعلی آذر، مرتضی، ۱۳۹۱، *سیمای سازمان از نگاه اسلام: در پرتو استعاره امانت*، تهران، دانشگاه امام صادق.

چاپرا، محمد عمر و همکاران، ۱۳۸۸، *حاکمیت شرکتی در مؤسسات مالی اسلامی*، تهران، دانشگاه امام صادق.

حرانی، ابن شعبه، ۱۴۰۴ق، *تحف العقول عن آل الرسول*، چ دوم، قم، جامعه مدرسین.

حکیمی، محمدرضا، ۱۳۸۰، *الحیاه*، ترجمه، احمد آرام، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

رجایی، سیدمحمدکاظم و مصطفی کاظمی، ۱۳۹۰، «شاخص ترکیبی صداقت در بازار اسلامی»، *معرفت اقتصاد اسلامی*، ش ۱، ص ۱۱۷-۱۴۶.

رستمی، وهاب و همکاران، ۱۳۹۱، «نوع پارادایم‌های راهبری شرکتی»، *حسابدار رسمی*، ش ۳۲، ص ۸۱-۹۹.

روشندل، محمد، ۱۳۸۶، *راهکارهای بومی سازی حاکمیت شرکتی مؤثر در نظام بانکداری ایران*، وبسایت بانک مرکزی، بخش نظارت بانکی

شاه‌آبادی، محمدعلی، ۱۳۸۶، *تسورات‌المعارف*، تقریر نورالله شاه‌آبادی، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

طباطبائی، سیدمحمدحسین، ۱۴۱۷ق، *المیزان فی تفسیرالقرآن*، قم، جامعه مدرسین.

طریحی، فخرالدین، ۱۳۷۵، *مجمع البحرین*، تهران، مرتضوی.

قنبری، حمید، ۱۳۹۵، *روزنامه دنیای اقتصاد*، شماره ۳۷۴۱/۱/۲۶، ۹۵، صفحه ۶ (خبر).

کاظمیان مهدی، بی‌تا، *اصول راهنمای حاکمیت شرکتی برای مؤسسات ارائه دهنده خدمات مالی اسلامی*، تهران، بانک مرکزی.

کلینی، ابی جعفر محمد، ۱۳۹۰، *اصول الکافی*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.

محقق‌نیا، محمدجواد، ۱۳۸۹، «بررسی جایگاه قرض الحسنه در نظام بانکی جمهوری اسلامی ایران»، *معرفت اقتصادی*، ش ۱، ص ۱۴۱-۱۶۲.

محمدنژاد چاوشی، حبیب و همکاران، ۱۳۹۴، «سازمان عادل (واکاو) عدالت سازمانی در پرتو قرآن و روایات»، *مدیریت در دانشگاه اسلامی*، ش ۱۰، ص ۱۴۷-۱۶۶.

مصطفی، ابراهیم و همکاران، ۱۹۸۹، *معجم الوسیط*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

مطهری مرتضی، ۱۳۷۲، *عدل الهی*، تهران، صدرا.

_____، ۱۳۸۸، *مجموعه آثار*، تهران، صدرا.

موسویان، سیدعباس و حسین میسمی، ۱۳۹۴، *بانکداری اسلامی (۱) مبانی نظری - تجارب عملی*، تهران، پژوهشکده پولی و بانکی.

موسوی خمینی، سیدروح‌الله، بی تا، *صحیفه امام*، تهران، مؤسسه نشر آثار امام خمینی.

میسمی، حسین، ۱۳۹۲، *آیا بانکداری اسلامی موافق تبعیض بین مشتریان است؟*، تهران، پژوهشکده پولی و بانکی

<http://www.mbri.ac.ir/Default.aspx?PageName=islamicbankingpages&ID=80422>

نوری، حسین، ۱۴۰۸ق، *مستدرک الوسائل*، قم، موسسه آل‌البتیت.

هرورانی، حسین، ۱۳۹۲، *ضرورت استقرار حاکمیت شرکتی و ارائه پیشنهاد برای حمایت از حقوق سهام داران خرد در ایران*، تهران، مرکز پژوهش‌های مجلس.

AbdulRahim, AbdulRahman, 1998, "Issues In Corporate Accountability And Governance: An Islamic Perspective", *The American Journal of Islamic*, Vol. 1, No. 15, P. 55-70.

Abdussalam Mahmoud Abu-Tapanjeh, 2009, "Corporate governance from the Islamic perspective: A comparative analysis with OECD principles", *Critical Perspectives on*

Accounting, No. 20, P. 556–567.

Asri M. and M. Fahmi, 2003, *Contribution of The Islamic Worldview Towards Corporate* , MSc Accounting Sem 2 2003/04.

Basel Committee on Banking Supervision (BCBS), 2015, *Corporate governance principles for banks*, Bank for international settlements (www.BIS.org), july 2015, <http://www.bis.org/bcbs/publ/d328.pdf>.

Chapra, M. Umer, and Habib Ahmed, 2002, *Corporate governance in Islamic financial institutions*, Occasional paper 6.

IFC, & IAAG, 2008, *A Corporate Governance Survey of Listed Companies and Banks across the Middle East and North Africa*, Washington DC.

Islamic Financial Services Board (IFSB), 2006, *Guiding Principles On Corporate Governance For Institutions Offering Only Islamic Financial Services: Excluding Islamic Insurance (Takaful) Institutions And Islamic Mutual Funds*.

Saidi.Nasser, 2009, Corporate governance in Islamic finance in: Islamic Wealth, <http://nassersaidi.com/.stats.oecd.org/glossary/detail.asp?ID=6778>.

www.stats.oecd.org/glossary/detail.asp?ID=6778

www.oecd.org

www.oecd.org/corporate/oecdprinciplesofcorporategovernance.htm

